روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۳ _ ۱۴ محرم ۱۴۴۶ _ ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۴- شماره ۲۴۶۰ _ سال نهم

۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۷۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیار , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره

مدیر هنری: امین مریخی چاپ: صمیم ۲- ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج

خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۸۴۳

با شاعران امروز

کاشکی و شاید

فریدون وحیدا

استاد دانشگاه

بخت یار آمد که ما را روزگاری
نو برآمد
روزگار کهنگی ها، کهنه‌بینی‌ها
سر آمد
تا زداید رنگ و بوی کهنگی‌ها
را ز دل ها
دولتی این بار شاید بیش‌وکم
نوجو برآمد
این امید مردم است آری که
در بحث و جدل‌ها
گفته‌های او امیدافزا بسی
در باور آمد
درد مردم را پزشک است او
دهد تشخیص شاید
مردمان گویند این یک از
رقیبان برتر آمد
کشتی میهن به گردابی در-
افتادست شاید
با کنار آید که آن را ناخدایی
دیگر آمد
سرنشینان کاش همراهی
کنندش تا که او را
گام‌ها محکم شود بیند چو
خلقش یاور آمد
کاشکی بر درد مردم بازماند
چشم و گوشش
تا به خود گویند هان مردی
عدالت گستر آمد
بر شکایت‌ها سپارد گوش‌جان
تا خلق گوید
دادگر مردی کنون بر درد
مردم داور آمد
این‌همه هست آرزوهایی، رسد
ایکاش روزی
تا مگر گوییم با خود
آرزوهامان بر آمد

یادداشت

فلسطین و پرسش از عاشورائیان!؟

محمدحسن علایی

جامعه شناس

عاشـــورائیان در هر کجای جهان که هستند اگر پیام سید الشهدا را از پس اعصار شنیده‌اند؛بی تردید نمی‌توانند نسبت به فاجعه‌ی کربلای غزه احساس تکلیف نکنند؛ و این حجم از جنایت و بیداد در این جغرافیای کوچک که در بیخ گوش و در پیش چشـــم معاصرین و هم‌روزگاران ایشان هر روز و هر شب بر طفلان و مادران و پیران و جوانان و مردمان این سامان می‌رود را مشاهده کنند و با هر میزان عذابی که پای وجدان ایشـــان را می‌خلد مع الاسف هیچ ابزار عملی برای توقف این نسل کشی نتوانند تدبیر کنند؟!وفاداران به رخداد عاشورا در قبال مصائب دهشتناک این فلسطین پاره پاره چه باید بکنند؟!کســـی که از هیچ فرصتی برای پرسش از امکان نیل به توسعه و تسهیل زندگانی مردم به جان آمده‌ی خویش به سهولت گذر نکرده است و در حد بضاعت اندک خویش بر آبادانی کشور خویش کوشیده است روا نیست به هنگام پرسش از مسئله فلسطین مورد شماتت قرار گیرد که تو را چه به این پرسش‌ها، ما خودمان هزار و یک مشکل داریم،چراغی که به خانه رواست و چه و چه و چه...

حقیقتا تماشای هر روزه‌ی فجایع امروز تاریخ در هر کجا که باشد عصب سوز و طاقت فرسا و جانکاه هست و البته که نابه ســـامانی‌های مردمان خودمان آرام و قرار از اهل نظر دردمند ســـتانده است؛اما اینکه چهل هزارنفر با آن همه سبوعیت در غزه در همین چند ماه گذشته به طور شبانه روز و در پیش چشم دنیا سلاخی می‌شوند آیا کمر قامت خرد انسانیت ما را نمی‌شکند؟!چگونه می‌توانیم تنها تماشاگر باشیم؟!من خویش بیم دارم که این پرسش‌ها نه تنها هیچ چیز را در واقعیت روی زمین سوخته و خونین غزه تغییر ندهد بل مورد بهره‌برداری ســـوداگران مرگ قرارگیرد ولی حقیقتا امیدوارم پاسخ پرسش خویش از اهل نظر دریافت کنم، نه اینکه پاسخی دم دستی وجود داشته باشـــد؛ ولی خواهانم صورت‌بندی ایشان را از این مسئله‌ی بینهایت دردآور بشنوم بلکه در این پویه‌های مأیوسانه خردک شعله‌ای بتوان در این برهوت تاریک و ظلمانی برافروخت!

گوناگون

خالق «گوتیک آمریکایی» را بشناسید

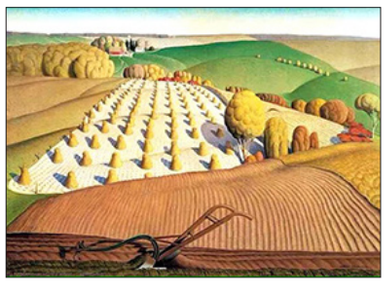

قرن بیستم همزمان با دورانی بود که ایالات متحده آمریکا شاهد یک رشد هنری بود.یکی از مشهورترین آثار هنری که در این دوره خلق شد تابلو نقاشی «گوتیک آمریکایی» اثر«گرنـــت وود» بود.تابلو نقاشـــی«گوتیک آمریکایی» اثر«گرنت وود»یک کشاورز و دخترش را به تصویرمی کشد. این پرتره پرجزئیات، از زمانی که در ســـال ۱۹۳۰میلادی خلق شده است،به طرق مختلف به فرهنگ مردمی راه پیدا کرده است.بااینکه بسیاری از مردم با این اثر هنری آشنایی دارند،افرد کمی درباره خالـــق آن اطلاعات دارند.«گرنت وود»کـــه در بخش ایالت‌های غرب میانـــه آمریکا متولد شد،«وود»یکی از پیشگامان اصلی جنبش اصلی «منطقه گرایی» بود؛جنبشی هنری که حول تصویرهای روستایی آمریکا متمرکز بود.اگرچه او بیشتر عمر خود را در ایالات متحده گذراند،اما چندین‌بار در طول زندگی خود به اروپا سفر کرد،در این مدت،علاقه شدیدی به رنسانس شمالی و تأکیـــد آن بر واقع‌گرایی و جزئیات دقیق در«وود»ایجاد شـــد.این ویژگی‌ها در نهایت در اثـــر هنری مهم او به اوج خـــود رســـید.«گرنت وود»(۱۹۴۲-۱۸۹۱) یک هنرمند آمریکایی بودکه بیشـــتر به خاطر بســـط دادن ســـبک منطقه‌گرایی و خلق تابلوی نقاشی «گوتیک آمریکایی» شهرت دارد.«وود»که اصالتا اهل «آیووا» بود،بیشتر دوران جوانی خود را با سفر در ایالت‌های غرب میانه آمریکا سپری کرد.او پس از اینکه در مدرسه هنر شیکاگو به طور رسمی در رشته هنر آموزش دید،مدت کوتاهی در جنگ جهانی اول خدمت کرد.پس از آن،او چندین سال به‌عنوان معلم فعالیت کرد،که نه تنها ثبات مالی را برای او فراهم کرد،بلکه امکان ســـفر به اروپـــا را نیز برای او ایجاد کـــرد.«وود»در اروپا به بررســـی آثار هنرمندان مشـــهور به ویژه«یان وان آیک»هنرمنـــد فلاندری پرداخت که بیشـــتر برای خلق تابلوهای نقاشـــی پرجزئیات رنگ روغن شـــهرت دارد.در همیـــن دوران یعنی در فاصلـــه ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰میلادی بودکه «وود» خلق نقاشی‌هایی به سبک منحصربفرد خود را آغاز کرد.سبک هنری «وود» برخلاف برخی از آثار هنری مدرن که در اوایل دهه ۱۹۰۰ خلق می‌شد،واقع‌گرایانه‌تر بود.او تحت تأثیر آثار استادان قدیمی تلاش کرد تا زندگی آمریکایی را آنگونه که می‌دید به تصویر بکشد.نقاشی‌های او علاقه به مدل ســـازی، اســـتفاده موثر از نور و ســـایه و ترکیب‌بندی‌های پیچیده را نشان می‌دهند.منطقه‌گرایی یک ســـبک هنری غرب میانه است که به عنوان واکنشی به هنر انتزاعی که در قرن بیســـتم در اروپا خلق می‌شد، شکل گرفت.منطقه‌گرایی به جای متمایل شدن به انتزاع فرم و رنگ،بر رئالیسم،به ویژه در مورد نقاشی‌های فیگوراتیو و به تصویر کشیدن زندگی روستایی در غرب میانه آمریکا تاکید داشت.این سبک هنری در دوران «رکود بزرگ» با تمرکز بر زندگی روزمره مردم این دوران بیشتر مورد توجه قرار گرفت.«وود»یکی از هنرمندان بزرگ آمریکایی بود که در این ســـبک کار می‌کرد و این نکتـــه را در کارنامه آثار هنری او که به کشاورزی و پرتره‌هایی از مردم طبقه کارگر اختصاص داده شـــده بود، می‌توان به وضوح مشاهده کرد. نقاشـــی «گوتیک آمریکایی» اثر«وود» که پرتره‌ای از یک کشـــاورز و دخترش اســـت، نگاهی اجمالی به زندگی در روســـتاهای ایالات متحده دارد.با اینکه بسیاری از افراد از زمان نخستین نمایش آن در سال ۱۹۳۰میلادی، معنای و موضوع آن را اشتباه تعبیر کرده‌اند،این اثر هنری یکی از بزرگ‌ترین نقاشی‌های تاریخ هنر باقی مانده است.خانه‌ای که در این نقاشـــی به تصویر کشیده شده است بر اساس ساختمان واقعی اســـت که«وود»در آیووا آن را دیده بود. این اقامتگاه ساده که به«خانه دیبل» معروف است،در سال ۱۸۸۱میلادی به سبک معماری به نام «کارپنتر گوتیک» ساخته شـــد.با این حال، توجه«وود» علاوه بر ویژگی‌های گوتیک این ســـاختمان، به ظاهر روستایی این ساختمان نیز جلب شد.وقتی او خانه را دید، بلافاصله توجه‌اش جلب شد و خانه تخیل او را برانگیخت.شخصیت‌هایی که در این نقاشی در نقش یک کشاورز و دخترش ظاهر شده‌اند، در دنیای واقعی شخصیت‌ها متفاوتی داشتند.دختری که در این نقاشی به تصویرکشیده شـــده است با الهام از خواهر «وود» و مرد نیز با الهام از دندانپزشک«وود» نقاشی شده است.اگرچه «گرنت وود» فقط تا ۵۱سالگی زندگی کرد، تأثیرغیرقابل انکار از خود بر هنر آمریکا به جای گذاشت. گوتیک آمریکایی به تنهایی بـــه نمادی از هنر اوایل قرن بیستم تبدیل شـــد که آنقدر متمایز است که امروزه نیز مشهور است.

با همین واژه‌های معمولی

نگاهی به دفتر شعر «عشق ویتگنشتاینی» از اکبر ظریف تبریزیان

او با من است یا دیگری؟

فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

در این دفتر ۱۰۴شـــعر سپید کوتاه وجود دارد. ویتگنشتاین، فیلسوفی اتریشی است. او پایه گذار فلســـفه تحلیلـــی و چرخش زبانی است.این فیلســـوف آرامشگر، زبان را موضوعی فلســـفی می‌دانـــد و می‌گوید: ««تمام‌فلســـفه، نقادی زبان است.» شیوه کار ویتگنشتاین روشن ســـاختن اندیشه هاست. او فلسفه درمانی می‌کند.او بر این باور است که فیلسوف، بیماری فهم انسان را علاج می‌کنـــد. اکبر ظریف تبریزیان به زعم خود از کلام ویتگنشتاین: «شک فقط در حالتی موجود تواند بود که پرسشی در میان باشـــد.» می‌پرسد: «او با من است یا دیگری؟»

پرســـش در جایی تواند بود که پاســـخی در میان باشـــد، لبخند زنان رفت و آشفته برگشـــت، «آه از دلم آه»، من او را دوست می دارم، او دیگری را، عشـــق پایان نیافته است، می‌خیزد به جلو، من او را، او دیگری را، عشق متناوب اســـت، همچون جریان برق، باید به آن وصل بود، وگرنه خشـــک میشوی.»

شـــاعر در برابر تز ویتگنشـــتاین (شک با پرسش حادث می‌شود) می‌گوید: در آنتی تز هم (باید پاســـخی در میان باشد) و در برخورد تز و آنتی تز، سنتزی طنزآمیز مم آورد. معشوق معمولا با گریه میرود، اما او می‌گوید: خندان رفت و و آشـــفته برگشت و مثل حافظ شـــیرازی گفت: «آیینه رویا! آه از دلت آه.»

هرچه شـــاعر می‌گوید در ایـــن دفتر گویا متناقض نماست. معشـــوق چرا برگشته و چرا می‌گوید: من عاشق او بودم و او عاشق او؟ عکس دیگر نباید این باشـــد: «که اگر به جریان برق عشـــق وصل نباشی خشک میشوی.» این واژه «خشـــک» باید ایهام باشد.شـــاعر می‌خواهد به تو بگوید: «ذات عشـــق مبتنی بر یک ضربه ای ناگهانی و در نهایت مرگ است.» نرم و شیوه معمول روایت‌های ظریف تبریزیان وارونه نمایی و پارادوکس است. شاعر با لحنی شوخگنانه و بسیار طبیعی مبتنی بر طبیعت دیالوگ انســـان امروز شعر می‌گوید و تا حد امکان از صور خیـــال های غلیظ فاصله می‌گیرد: «دروغ برای گفتن است/حریم برای تجاوز/ حقیقت برای مخدوش کردن و آرزو برای حســـرت کشیدن/شـــجاعت و بخشندگی برای ستودن و عشق برای دیداری ممنوع در فضای مجازی/چشـــم انداز برای نگاهی بیهوده از سر امید/روز برای چالشی نفرت بـــار با بیزاری و شـــب بـــرای گریختن به کابوس/و زندگی بـــرای فرو افتادن در دام افسردگی و خشم .»

شـــاعر با همین زبان پـــر ملاحت زندگی می‌کند و مشـــکلات را شـــکلات می‌کند. او بـــا هیچ چیـــز با این زبـــان زاویه ندارد و ظاهـــراً آرمانگرا و شورشـــگر و عصبانی نیست و در یک سرخوشی سکرآور زندگی می‌کند و حتا مرگ را هم جدی نمیگیرد، او از قول «شازده کوچولو» می‌گوید:«مثل تیک تاک ســـاعت اســـت که می‌نویســـم و باز می‌مانم/خوشـــم و ناخـــوش چرا که خورشید ســـیارک من نیز کوتاه می‌تابد و باز می‌میرد/شـــب و روزی به درازای چند بازدم به کوتاهی چنـــد آه/امید و ناامیدی را از پی خود می‌کشـــد/و من یک بار پیر می‌شوم و یک بار غروب می‌کنم/با هزاران خورشید در پیرامنم/با هزاران شب در راه به کوتاهی چند بازدم به درازای چند آه.»

شاعر خیلی گریه و گلایه نمی‌کند و خیلی حســـرت و حسادت ندارد، او تقدیر خود را تاب می‌آورد: «و چون به پایان می‌رسی با آن که دوستش می‌داری در بیم و هراسی/ به کدام سو روی که باز دانه دامی نباشد تا تو را به بند بکشد.» شاعر در هر حال راضی است و برای. هر دردی چون ویتگنشتاین درمانی می‌یابد: «در جهان خالی از عشق می‌توان قرص‌های ضد افســـردگی خورد و تلفنی از عشـــق های جوانی یاد کرد/در جهان خالی از عشـــق می‌توان مانند یک زاهد تنها مرد و مانند یک مومیایی پس از یک ماه در ژرفای آپارتمانی تاریک کشف شد.»

یادداشت

رأی ثاقب و فکرت صائب

محمدعلی نویدی

استاد دانشگاه

غرض از رأی ثاقب، اظهار وجود و اندیشه و ابراز اراده و ابرام بر اختیار بطور روشـــن و آگاهانه اســـت؛ و مـــراد از فکرت صائب، آشـــکارگی طـــرز تلقی و نحـــوه‌ی نگرش راســـتین و درســـتین در امور و مسائل و ارکان و عناصر زندگی است. اینک پرسش نخستین این اســـت که جانمایه و بنمایه رأی ثاقـــب و فکرت صائب چیســـت؟ به تصور راقم این ســـطور، جان و جوهر فکر و عقیده روشن و مستند و مستدل و نافع و اثربخش، به تحقیق، معرفت و شناسایی است.

معرفـــت و معارف جـــان و مغز اســـت و مناســـک و معالم در حکـــم قالب و قوالب آمده است.مثل، نیشکر و تولید قند سفید. مثل، کودک و تربیت انســـان دانشمند، و مثل، زمین بایر و زراعت و تولید محصول و محتوا. باری، معرفت یعنی شـــناختگی و شـــناخت در قبال جهالـــت و ناآگاهی. به‌عنوان مثال، وقتی از ویژگی‌ها و صفات بارز و برجســـته شخصی آگاهی و شناخت داشـــته باشیم، میگوییم، او را و راه و رسم وی را می‌شناسیم. اما، وقتی از راه و طریق چنین شـــخصی مطلع و آگاه نباشـــیم، بر سبیل تقلید و تبعیت عمل می‌کنیم و در حد و سطح ظاهر بسنده می‌کنیم. فکرت صائب و رأی ثاقب در ســـپهر و گســـتره شـــناخت و معرفت معنا پیدا می‌کند و در صحرای سمبل‌ها و نمادهای تو خالی، بی معنا و مصداق خواهد بود.

به عبارت دیگر،در وادی و میدان معرفت و دانش و آگاهی اســـت که انسان و انسانیت و زندگـــی و زندگانی به درســـتی ترجمه می‌شـــود و معنا می‌یابد.یعنی در برهوت ناشناختگی و بدون تفکر، پژوهش و آگاهی و آزادی، داشتن رأی و نظر ثاقب و روشن ناممکـــن خواهد بود.گویی، قوالب و اعمال و مناســـک آدمی در تمام امور، زمینه‌ها و جوانب مختلف زندگی، با معرفت و دانش گرانبـــار و گران‌قدر می‌شـــود و از عرصه توهم و خیال و توخالی بودن، برمی‌کشد و بالنده می‌گردد.ژرف بیاندیشیم، اگر معارف و مناظـــم از معالم و مناســـک تهی گردد، چه چیـــزی باقی می ماند؟گرانبار شـــدن یعنی پراثر و پرثمر گشـــتن. معالم همان علامت‌ها و نشانه‌هاست که در حد و اندازه خود اثر دارند، لیکن، اثر اصیل و سودمند از آن محتـــوا و معناســـت.محتوا و معنا با پیدایش معرفت و شـــناخت پدید می‌آید. دانستگی و شناختگی موجب گران مایگی و گران‌ســـنگی است. قدر و قیمت و ارزش و اعتبار یک کار و کوشـــش و یک تلاش و تقلا از معرفت و دانش سرچشمه می‌گیرد. البته، معرفت و شناخت را مراتب، درجات و شدت و ضعف است، اما، جریان یافتن و پیش رفتن در مسیر معرفت و دانش اولین گام قویم و درســـت و روشـــن اظهارنظر و اتقان رأی و راه،تعبیر و تفســـیر می‌گردد. می‌دانید چرا معرفت بنیان و گوهر امور و مسائل و موضوعات و مکشوفات مرتبط با انسان و زندگی اوست؟زیرا دست کم، امور و کارها با معرفت زوال پذیری و زائل گری کمتری دارند.«خلل پذیـــر بود هر بنا که می‌بینی/بجز بنای محبت که خالی از خلل اســـت.»به امر زائل و غیر زائل بیاندیشیم و موشـــکافانه و باریک بینانه بازشناســـی کنیم. مثلاً، به نماد شمشـــیر و اسلحه در قدرت‌هـــای نظامی، سیاســـی و توتالیتر و تمامیت خواه ژرف فکر کنیم و بدون تدبیر و معرفت نقش و اثر شمشـــیر و شمش را در آرامش زندگانی انسانی ارزیابی کنیم! شمشـــیر بدون معرفت، همواره آغشته به خون بی گناهان و ستمدیدگان بوده است. ولی شمشـــیر با معرفـــت و تدبیر،همواره حافظ مرزها و اســـتقرار امنیت و ایمنی ها بوده است.آری، وقوف و معرفت به هدف و غایت یک آرمان و راه معتبر و نجاتبخش، تنها با شناخت و عمل به معارف و حقایق آن امکان‌پذیـــر اســـت.والا، قوالب تهی و توخالی هیـــچ ارزش افـــزوده‌ای نخواهند داشـــت. چنین است شـــناخت و نحوه‌ی مواجهـــه با افراد، مفاهیم، معانی و کارها و معامـــلات و مناکحات و عبادات و جنایات و غیره آن.

ایـــن یک جریان و مســـیر شـــناختگی و شناســـایی اســـت که مرتبه والای آن به کشـــف و اصل و حقیقـــت آگاهی منتهی می‌شـــود که آن حقیقت، ذات پاک و آزاد آدمی را شـــکل می‌دهد. یعنی، حرکت از تاریکی‌ها و تیرگی‌ها و زواید به ســـمت و ســـوی روشـــنی، آگاهی، آزادی و اصل‌ها. مرتبـــه اول معرفـــت شـــناخت اصل‌ها و ریشه‌هاست.

معرفـــت آفتابی شـــدن و در معرض نور و روشـــنایی قرار گرفتن است و چنین رأی و نظری با وثاقت و اســـتواری و راســـتی و درستی نســـبت دارد.معرفت، گذر و عبور آگاهانه مستمر و مداوم از اوهام و خیالات و خیانـــات به ســـوی حقایـــق و واقعیات شناخته شده است؛خیانت در پنهان کاری و تیرگـــی و تاریکی صورت می‌گیرد نه در شـــفافیت و صداقت و راســـتی و درستی. بنابراین، شکوه و جلال و عظمت و آرامش زندگی انســـان در معرفـــت و دانش نهفته است نه در معالم و علامات ظاهری.

چکیده مطلب این اســـت که شایســـته و ضروری اســـت عـــزم خود را جـــزم کنیم و در کســـب و تحصیل معرفـــت و دانش سخت بکوشـــیم و در اظهارات و اعمال با فکر صائب و رأی ثاقب و راستین، اثرگذار باشـــیم و بدانیم که معرفت مغز و هســـته است و شـــعائر و رســـوم در هر قلمرویی از زندگی انسان پوســـته و پوستین. البته معرفت نیز مسبوق به نحوه و طرز تفکر و نگرش و کنش آدمی است.

دریچه

گای بیلوت - فرانسه

جزئیات سعدی

خوبرویان جفاپیشه وفا نیز کنند
به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند
پادشاهان ملاحت چو به نخجیر روند
صید را پای ببندند و رها نیز کنند
نظری کن به من خسته که ارباب کرم
به ضعیفان نظر از بهر خدا نیز کنند
عاشقان را ز بر خویش مران تا بر تو
سر و زر هر دو فشانند و دعا نیز کنند

مجازستان

- من تو زندگیم یـــه کاری رو هیچ‌وقت یاد نگرفتم؛ اون کمک گرفتن بود. من هیچ‌وقت بلد نبودم درست و بـــه موقع کمک بگیرم. اینو خیلی وقته فهمیدم.ولی وقتایی که از شدت غم مستاصلم بیشتر خلاشو احساس می‌کنم.(زین‌العابدین)
- چیزی که از ۳۳ســـال زندگی کردن یاد گرفتم این بود که راحت زندگی کردن فقط یه فرمول داره، نباید از کسی توقع داشت؛ یعنی اگه پاهات قطع شد رو دستای خودت بلند شو اما از کسی توقع نداشته باش. (بهنوش)
- جلسه پیش به تراپیستم گفتم من فهمیدم آدم تو ماجرای ســـنگینی مثل جدایی به دوستان مشترکش احتیاج نداره.به دوستانی احتیاج داره که فقط دوست خودش باشـــن.که بگن رنج تو رنج منـــه و گور بابای هرچی و هرکس دیگـــه و تف کنن تو هرچی رواداری و اصول اخلاقیه. (Zeinab)
- نمی‌دونـــم میفهمین یا نه،ولی یوقتایی یه ترســـی میوفته تو جونم که، چجوری تو این سن تنهام و هیچ رابطه‌ی جـــدی‌ای ندارم؟، چجوری تو روزای ســـخت و خوبم کســـی کنارم نیســـت؟نکنه قراره تـــا ابد تنها بمونم؟(Tada)

موزه

کشف یکی از قدیمی‌ترین فسیل‌های دایناسور در برزیل

باستان‌شناســـان بر این باورند که این کشف نویدبخش آگاهی از روزهای اولیه پیدایش دایناســـورها و منشـــأ تکاملی آنهـــا خواهـــد بود.باران‌های شـــدید در ایالت جنوبی «ریوگرانده دو سول» در کشور ب رزیل، کشفی باورنکردنی را به ســـطح زمین آورد که میلیون‌ها سال پنهان مانده بود.بر اثر این اتفاق، تیمی به سرپرســـتی دیرینه‌شناس رودریگو تمپ مولر از دانشگاه فدرال سانتا ماریا با یک اســـکلت تقریباً کامل فسیل شده دایناسور روبرو شدند.آسوشیتدپرس گزارش داد که گمان می‌رود این نمونه یکی از قدیمی‌ترین دایناسورهای جهان باشد که قدمت آن به ۲۳۳میلیون سال پیش می‌رسد.مولر به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که تیم پژوهش از کشف این استخوان‌ها متعجب شده است. با این حال، یافته‌ها هنوز مورد بررســـی قرار نگرفته یا در یک مجله منتشر نشـــده اســـت.این موجود در دوره تریاس(Triassic) زندگی می‌کرده که از ۲۵۲میلیون تا ۲۰۱میلیون سال پیش ادامه داشته است. این دوره‌ای بوده که همه قاره‌ها در یک ابرقاره به نام پانگه‌آ ادغام شده بودند.این تیم تنها در چهار روز به دقت محل کشـــف را کاوش کردند و با دقت یک قطعه سنگ حاوی کل اسکلت فسیل شده را استخراج کردند.سپس این سنگ برای تجزیه و تحلیل بیشتر به آزمایشگاه منتقل شد.بر اساس مطالعه فسیل‌ها، این دایناســـور احتمالاً حدود ۲.۵متر طول داشته است. مولر می‌گوید: در ابتدا فقط چند اســـتخوان جدا شده به نظر می‌رســـید، اما وقتی تمـــام آن را در معرض دید قرار دادیم، توانستیم ببینیم که یک اسکلت تقریباً کامل داریم.محققـــان برزیلی بر این باورند که این دایناســـور متعلق به خانواده Herrerasauridae است که شامل گوشـــتخواران تروپود اولیه اســـت که در دوره تریاس می‌زیســـته‌اند.بر اســـاس گزارش‌ها، بقایای فسیل شده به طور قابل توجهی به خوبی حفظ شـــده‌اند و به طور بالقوه دومین اسکلت کامل Herrerasauridae است که تاکنون پیدا شده است.خانواده Herrerasauridae یکی از اولین خانواده دایناسورهایی است که تا به حال شناسایی شده و بر بخش‌هایی از برزیل و آرژانتین کنونی تسلط داشته اســـت.آنها برترین شکارچیان اکوسیستم خـــود بودنـــد و در اواخر این دوره منقرض شـــدند.این اولین باری نیســـت که تیم مولر اکتشافات هیجان‌انگیز دایناسوری را در این منطقه انجام می‌دهد.در سال ۲۰۱۹ آنها از کشف یک دایناسور گوشتخوار دیگر از دوره تریاس خبر دادند. بقایای به خوبی حفظ شـــده آن در نزدیکی ســـانتا ماریا ریو گرانده دو ســـول پیدا شد. شایان ذکر اســـت این اکتشاف در سال ۲۰۱۹ نیز به خانواده Herrerasauridae تعلق داشـــت و تقریباً در همان زمانی که این نمونه تازه کشـــف شده می‌زیسته، یعنی تقریباً ۲۳۳میلیون سال پیش زندگی می‌کرده است.این نمونه می‌تواند به پر کردن شکاف تکاملی بین این شکارچیان اولیه تریاس و تروپودهای معروف بعدی مانند تی‌رکس‌ها کمک کند،چراکه این دایناســـورها ده‌ها میلیون سال قبـــل از این غول‌ها وجود داشـــته‌اند.دوره تریاس نقش مهمی در زمینه‌سازی برای تسلط دایناسورها در دوران ژوراســـیک و فراتر از آن داشته است. این دوره بهبودی پس از یک فاجعه عظیم انقراض بود که با ظهور اشکال جدید و متنوع حیات همراه بود.طی چند ماه آینده، این تیم تجزیه و تحلیل عمیقی را برای تعیین اینکه آیا این فسیل یک گونه کاملاً جدید را نشان می‌دهد یا متعلق به یک گونه از قبل شناســـایی شده است، انجام خواهد داد.طبق گزارش‌ها،گاهی بارش باران ممکن اســـت به افشای فسیل‌ها کمک کند،زیرا لایه‌هایی از رسوب را که میلیون‌ها سال این بقایا را مدفون کرده‌اند، می‌شوید.این فرآیند که به نام «هوازدگی» شناخته می‌شود، به نزدیک شدن فسیل‌ها به سطح کمک می‌کند و احتمال کشف آنها را افزایش می‌دهد. با این حال، اگر به سرعت بازیابی نشوند، می‌تواند به آنها آسیب برساند یا از بین ببرد.این تیم در حین حفاری خود چندین استخوان از جمله یک استخوان ساق پا و یک استخوان لگن را کشف کردند که قبلاً در اثر بارندگی شدید اخیر در حال فرسایش بودند. متأســـفانه منطقه ریو گرانده دو سول در برزیل امسال شاهد سیل شدید در ماه مه بود که تعداد کشته‌شدگان آن حداقل ۱۸۲نفر گزارش شد.